

اندیشه‌ها همواره در مسیرهای بازرگانان، جنگجویان یا راهبان مذهبی سفر می‌کرده‌اند

# اندیشه‌ها در راه

فرانسوا - برنار اوئیگ

به بحث می‌گذارند، هیچ یک مایه شگفتی نیست، درست همان‌گونه که استفاده از تلویزیونهای ساخت ژاپن یا پوشیدن لباسهای پاکستانی در اروپا جای شگفتی ندارد. امروز کوشش می‌شود که با مفهوم جهانی شدن که خود نیز مفهومی در سفر است، دگرگونیهای اخیر را توصیف کنند. یعنی هم گردش کالاهای مادی را تبیین کنند و هم گردش کالاهای غیرمادی، دانشها، الگوهای اندیشه و داوریه‌ها را. گرایشهای فلسفی و سیاسی امروز جهان غرب از توان بارور گردش آزاد اندیشه‌ها تمجید می‌کنند، گردش که به نظر می‌رسد فن آوری آن را سهل و آسان کرده است. به طور قطع

اندیشه‌ها چگونه سفر می‌کنند؟ شاید طرح چنین پرسشی آن هم در مجله‌ای که به دهها زبان ترجمه می‌شود و در سرتاسر جهان خواننده دارد، پرسشی نابجا به نظر آید. اگر تمایز میان بازنمایی و اعتقاد و اطلاعات را نادیده بگیریم و به شیوه‌ای بسیار کلی، اندیشه‌ها را فرآورده ذهن یک انسان به شمار آوریم که ذهن یک انسان دیگر می‌تواند آن را تصاحب کند، تصدیق می‌کنیم که اندیشه‌ها کاری جز سفر ندارند. اینکه در کالیفرنیا پیروان بودا وجود دارند یا در چین قضیه‌های اقلیدس را مطالعه می‌کنند یا در استرالیا درخواستهای یک جنبش سیاسی امریکای لاتین را

بخشی از نقشه ونیزیها از کرانه‌الفریقا (اوایل سده شانزدهم).





آنچه در این مورد بحث‌انگیز است پرسشهایی از این دست است: چه اندیشه‌ها و گفتمانهایی باید اجازه انتشار داشته باشند؟ آیا نظارت بر رسانه‌ها به معنای دستکاری و اداره ذهن مردم نیست؟ و در کل، آیا سکه تقلبی کلیشه‌ها و اطلاعات نادرست و ابتذالها سکه راستین را از رونق نمی‌اندازد؟ اما در هر حال، پرسش در مورد «چگونگی» سفر اندیشه‌ها توجه چندانی را بر نمی‌انگیزد چون گویا به این پرسش کاملاً پاسخ داده شده است.

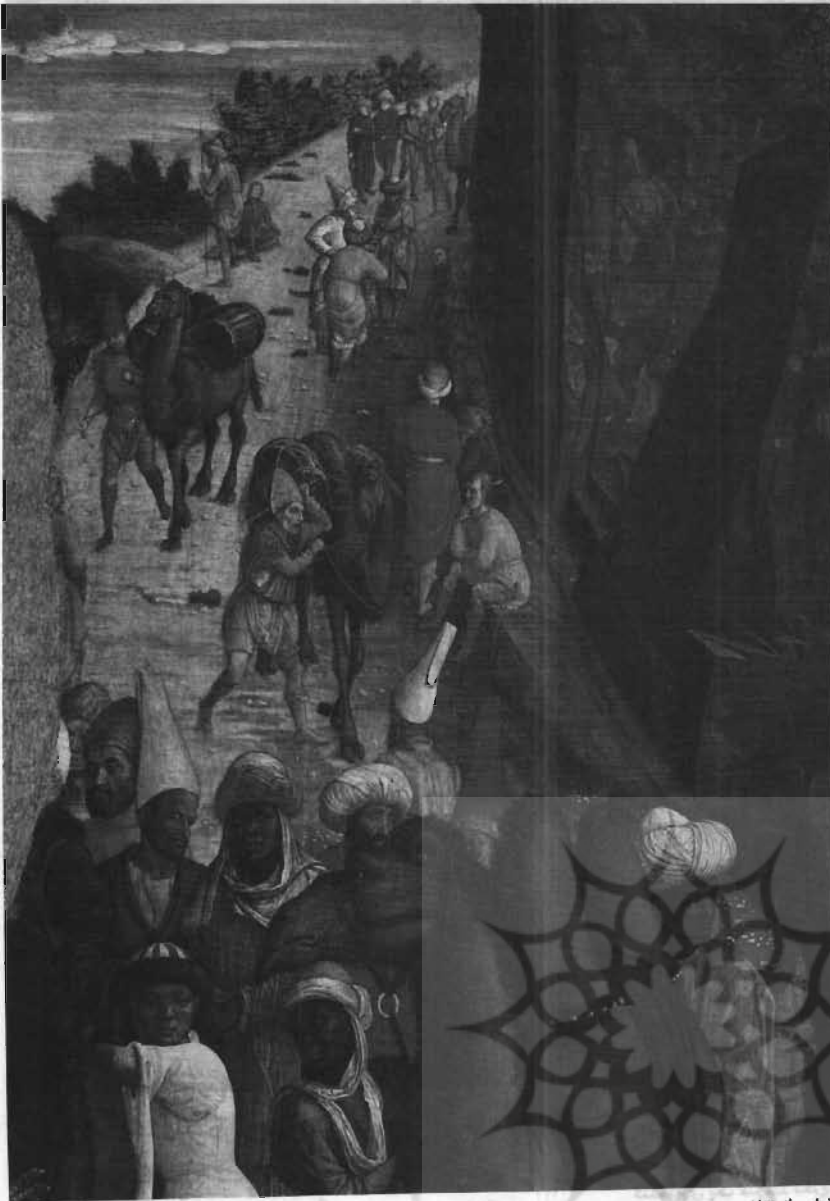
ما تا حدودی فراموش می‌کنیم که اندیشه چیزی است ناپیدا که با ردّ پایش هویدا می‌شود، و نمی‌تواند جهان را تغییر دهد مگر آنکه جهان را درنوردد. بجز انتقال شفاهی و مستقیم یک اندیشه که به ناگزیر موردی محدود است، میان مبدأ یک اندیشه و مغز آن کسی که این اندیشه را گاه در زمان یا مکانی دور دریافت می‌کند مانعها و میانجیهای وجود دارد.

اندیشه برای غلبه بر زمان و مکان می‌بایست تداوم داشته باشد و حرکت کند؛ می‌بایست در حافظه ذخیره شود و انتقال یابد. البته اندیشه در طول این فرایند و نقل و انتقال تغییر می‌کند، حال چه این فرایند روی شبکه اینترنت و در کسری از ثانیه انجام گیرد و چه همانند برخی از باورهای دینی چندین سده به طول انجامد. علت‌های این تغییر بی‌شمارند: تغییرهای حاصل از ترجمه، تحریف‌های ناشی از وجود میانجی یا رونویسگر، قالبی که انتقال اندیشه در چهارچوب آن انجام می‌گیرد، و عامل‌هایی همچون گم و تلف شدن، سانسور، دستکاری، تأویل و غیره. پیام با حرکت تغییر می‌کند.

### ■ بزرگراه‌های اندیشه

اندیشه‌ها از رهگذر راه‌هایی که فن‌آوری آنها را دگرگون کرده است گسترش می‌یابند. صنعت چاپ کتابها را تکثیر می‌کند و بدین ترتیب اندیشه‌ها را در برابر خطرهای ناشی از رونویسی، نابودی، سانسور یا سفری در نیمه‌راه متوقف شده بیشتر حفظ می‌کند. به یمن اختراع تلگراف، پیام توانست برای نخستین بار سریعتر از انسانها انتقال یابد. به یمن امواج گفتارها و کمی بعد تصویرها دیگر از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر حرکت نکردند بلکه تمامی سرزمینها را پوشش دادند و مرزها و دیوارها را پشت سر گذاشتند. به یمن تله‌ماتیک و اتصال زنجیری میلیونها حافظه رایانه‌ای، ثبت و جستجو و انتشار داده‌ها به عملیاتی واحد بدل شده است.

بخش اعظمی از تاریخ بشری گواه آن است که اندیشه‌ها به دشواری و بسیار کم انتقال یافته‌اند، آن هم با همراهی انسانهایی که به کندی و در شرایطی خطرناک و خلاصه کنیم در جاده‌ها راه می‌پیمودند. برای مدتهای مدید تفاوتی میان حرکت انسانها و کالاها با حرکت اندیشه‌ها وجود نداشت. اندیشه‌ها سفر می‌کردند، حال چه به صورت دست‌نوشته‌ها و چه تصویرها یا باورها یا در حافظه دانش‌پژوهان یا مؤمنان دینی، چه بر پشت اسبها یا شترها و چه در انبار کشتیها یا بر



بخشی از نقاشی ستایش سعوسان شرق اثر آندره آمانتینیا (۱۵۰۶-۱۴۳۱).

پای پیاده‌ها. بُرد و آهنگ انتشار و درنهایت، موفقیت فنا و برداشتهای علمی یا باورهای دینی که ما وارث آن هستیم همگی بستگی داشت به تمامی عامل‌هایی که حرکت زمینی یا دریایی انسانها را برمی‌انگیخت، تسهیل می‌کرد یا مانع می‌شد. یونسکو به درستی موضوع جاده‌ها را به منظور هماهنگ و متحد کردن پروژه‌های متمرکز بر گفتگو و تأثیر متقابل فرهنگها در پیش رو قرار داده است. جاده‌های باستانی نام خود را از کالای گرانبهایی که در آنها حمل می‌شده است گرفته‌اند: جاده ابریشم، جاده آهن و حتی جاده بردگان. جاده‌های دیگری نیز وجود دارند که کمتر با حرکت‌های تجاری و بیشتر با مرکزهایی که به آنها ختم می‌شدند شناخته می‌شوند: بیت‌المقدس، شهر مقدس سه دین یکتاپرست؛ آندلس، استانی که سه فرهنگ در آن با یکدیگر همزیستی مسالمت‌آمیز دارند.

استعاره‌ای واضح و روشن در دست است: با جاده، هر آنچه نو است به دستان می‌رسد، هر آنچه مبادله می‌شود و ما را تغییر می‌دهد، هر آنچه از محدوده‌هایمان فراتر می‌رود و ما را دگرگون می‌کند؛ به یمن جاده، همواره اندک چیزی از



به چه شکل و از چه مسیری عبور کرده‌اند و می‌توان فهمید که طی سفر چه اتفاقهایی برایشان رخ داده است.

هر تأملی درباره خاستگاه فرهنگها و هر بحث و سخنی در مورد درهم‌بافتگی و گفتگو و بارورسازی متقابل آنها، به واقعیت‌هایی کاملاً عینی بازمی‌گردد: مسافران از چه قماش‌هایی بودند؟ سفرشان چه مدت طول کشیده و در طی مسیر چقدر تلفات داده‌اند؟ به چه زبانی سخن گفته‌اند؟ چه نوع بایگانی یا نامه‌نگاری داشته‌اند؟ چه تصاویری را حمل می‌کرده‌اند؟

## ■ سربازان، بازرگانان، خطیبان

سربازان از جمله کسانی هستند که بیشترین سهم مسافران را دارند: جنگ نه تنها اختراعاتی فن‌آورانه و ابزارهای انتقال را برمی‌انگیزد بلکه آشفته‌گی‌هایی را نیز به بار می‌آورد چون فاتحان با استقرار در سرزمینهای جدید موجب فرار گروهی از مردم و تبعید گروه دیگری می‌شوند. به علاوه، جنگ موجب آموزش مردمان و باورها و دانش‌ها می‌شود. گاهی فاتح نخستین کسی است که ارزش اطلاعات جدید را درمی‌یابد: سپاهیان اسکندر را هیئتهای علمی همراهی می‌کردند؛ سپاهیان اموی از آسیای مرکزی صنعتگران کاغذ را با خود به همراه آوردند؛ تیمور لنگ در کشتارهای دسته‌جمعی خود از کشتن دانشمندان و نویسندگان و هنرمندانی که می‌خواست به خدمت بگیرد چشم می‌پوشید. و اگر جاسوسی را - به دلیل انتشار بسیاری از رازهای فن‌آورانه (که مشهورترین آن صنعت ابریشم بود)، نقشه‌نگاری، علوم و غیره - شکل دیگری از جنگ بدانیم، به آن هم مدیون هستیم.

جاده‌های حمل‌اندیشه‌ها با جاده‌های حمل کالا درهم می‌آمیزند. جستجوی فرآورده‌هایی از دوردستها که در مقایسه با خطرها و زمان سفر سودآور باشند، یکی از دلایلی اصلی‌ای است که افراد را تا به آن سر دنیا می‌کشاند، افرادی علاقه‌مند به استقرار شبکه‌های راه‌ها و سازمان دادن سفرهای امن بسیار که اغلب خواندن و نوشتن می‌دانستند و جویای چیزهای نو بودند.

به‌طور قطع، هدف بازرگانان نه تغییر جهان بود و نه توصیف آن، و آنچه آنان می‌گفتند یا مشاهده می‌کردند همواره ثبت نمی‌شد یا انتشار نمی‌یافت، و در واقع بازرگانان اندیشه‌ها و اطلاعات را به منزله کالای فرعی سفرهایشان انتشار می‌دادند. تجارت بویژه یکی از حاملان بزرگ و غیرمستقیم مذهب بوده است: تاجران با گرد هم آمدن در سرزمینهای بیگانه و انجام آیینهای خود اغلب دیگران را به کیش خود در می‌آوردند. مثلاً، تاجران عرب قرآن را در سرزمینهایی بسی دورتر از سرزمینهای فتح شده به دست عربها در سده اول هجری، ترویج کردند. گاهی جاده مسیر خطیب و تاجر بنا به دلیل صرفاً امنیتی یا منطقی یکی می‌شد. سفر به سوی مادر شهرها با کاروانها یا کشتیهای تجاری مطمئن‌تر بود و مردمان روشن‌اندیش این شهرها استقبال



نخستین دستگاه چاپ در مکزیکوسیتی به سال ۱۵۳۹. کنده‌کاری یک هنرمند مکزیکوی سده شانزدهم.

دیگری در ما حضور دارد و هر تلاشی برای در انزوا قرار دادن هویت تلاشی است ناموفق. البته چنین تماسهایی همیشه و به ناگزیر دلپذیر و صلح‌آمیز نیست. اشغالگران، آزاررسانان، زندانیان و تبعیدها نیز با جاده فرا می‌رسند. گرچه اندیشه‌ها با حرکت دچار تحریف یا تغییر می‌شوند اما عکس آن نیز صادق است. اشغالگران خود را با تمدن شکست‌خورده‌گان همگون می‌کنند، و قربانیان تجارت برده، فرهنگ سرزمینی را که به آنها تبعید می‌شوند بارور می‌سازند. روی هم رفته علاوه بر مکانهای به یاد ماندنی که نمادی از گذشته مشترک اجتماعهاست، جاده‌هایی به یادماندنی نیز وجود دارند: مسیرهای جغرافیایی دقیقی که ردپای حرکت مادی مرتبط با تغییر ذهنی را حفظ می‌کنند. معمایی به رمز و راز زمانی حفظ باورها، الگوها، دانشها، سنتها و دیگر شکلهای بازنمایی در طول نسلا افزوده می‌شود، معمایی جغرافیایی جابه‌جاییهای این باورها و اندیشه‌ها، به دیگر سخن، معمایی حرکت چیزهای غیرمادی. مسئله زمان با مسئله بُرد جغرافیایی مرتبط است. با دنبال کردن مسیر حاملان عینی کالاهای ذهنی یا دسته‌های مسافران، می‌توان درک بهتری از آن داشت که صنعت آهن یا کاغذ، اخترشناسی یا عدد صفر، آیین بودا یا اسلام، و افسانه یا یک ژانر موسیقی



